

گره‌ی ناصرالدین شاه

۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۲۳:۲۶

زبیده خانم از مشاهده‌ی این حال رو به شاه کرده گفت: قربان امشب عرق خواهید کرد و تب خواهد برید. از قضا صبحگاه تب شاه قطع شد و پس از آن ببری خان مقامی بلند یافت و دارای تشک اطلس و پرستار و خوراک مخصوص شد.

ببری خان به غلط، نام گره‌ای بود آلا پلنگ که شاه او را بسیار دوست می‌داشت. در آن اوان شاه را تبی سخت عارض شد و روزی چند در بستر بیماری و ناتوانی بخوابید. گره مزبور که تازه بچه آورده بود روز بعد به اقتضای طبیعت به تغییر مکان آنها پرداخت. هنگامی که یکی از بچه‌هایش را به دندان گرفته و از کنار بستر می‌گذشت.

زبیده خانم ملقب به امینه اقدس به درون اتاق آمد و در را که گره از همان به درون آمده بود از پشت خود بست. گره همین که راه بیرون شدن را بسته دید چند دور گرد بستر گشت و در پای شاه سرگردان ایستاد.

زبیده خانم از مشاهده‌ی این حال رو به شاه کرده گفت: قربان امشب عرق خواهید کرد و تب خواهد برید. از قضا صبحگاه تب شاه قطع شد و پس از آن ببری خان مقامی بلند یافت و دارای تشک اطلس و پرستار و خوراک مخصوص شد.

زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، دوستعلی خان معیر الممالک، ص ۸۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۲۰۷/شاه-ناصرالدین-پ-گره>